

بررسی ویژگیهای سبکی اشعار باقی مانده دوره اول ادبیات فارسی (طاهریان و صفاریان)

سیاوش مرشدی^۱

محمد نجاری^۲

چکیده

از دوره نخست شعر فارسی - که از دهه نخستین سده سوم هجری آغاز و تا پایان این سده ادامه داشت - تنها ۶۴ بیت از هشت شاعر این دوره (حنظله بادغیسی، محمد بن وصیف سگری (سیستانی)، بسام کورد، محمد بن مخلد، محمود بن وراق، فیروز مشرقی، ابوسلیک گرگانی و شاکر بخاری) باقی مانده است که ژیلبر لازار - پژوهشگر و متخصص فرانسوی زبان فارسی - آنها را در کتاب **اشعار پراکنده قدیم ترین شاعران زبان فارسی** گردآوری کرده است. تعاریف گوناگونی نیز برای سبک ارایه شده است که در این جستار این تعاریف به طور مختصر ارایه و در نهایت بیشتر «سبک دوره» واکاوی شده است؛ یعنی: به طور کلی ویژگی های مشترک و خاصی که در شعر شاعران یک دوره به صورت بسامدی^۳ به کار می رود. برای این منظور، بسامد ویژگیهای سبکی از سه منظر: ۱- شکل بیرونی^۴ (وزن، قافیه، ردیف، حرف روی، آرایه های لفظی بدیع، قالبهای شعری، کلمات شعر و ویژگی های دستوری)؛ ۲- شکل درونی^۵ (صور خیال و آرایه های معنوی بدیع)؛ ۳- پیام یا درون مایه^۶ بررسی و نتایج حاصل از پژوهش، به صورت بسامدی و جداول آماری ارایه شده است.

کلید واژه: سبک شناسی، شعر، دوره طاهریان و صفاریان، شکل بیرونی، شکل درونی، شکل ذهنی

مقدمه

«سبک در لغت به معنی گداختن و ریختن زر و سیم است و سبیکه پاره نقره گداخته را گویند. اما مدتی دراز است که اهل ادب بر سبیل مجاز آن را مترادف با طرز و شیوه و سیاق و طریقه به کار می برند.» (محبوب، ۱۳۵۰، ۳)

برخی از تعاریف سبک و نظرات سبک شناسی^۱:

(الف) «سبک عبارت است از نحوه تفکر و کیفیت بیان اندیشه ها در اسلوب های لفظی و این دو عنصر کلام؛ یعنی: فکر و لفظ، یا معنی و قالب آن مولود عوامل معنوی و مادی خاصی هستند که گرد آمدن همه آنها در افراد به تساوی نامقدور است اما نکته قابل تأمل این است که عوامل مادی و معنوی که سازنده شیوه های ادبی است در دوره ها و محیطهای خاص در عده زیادی از افراد عمومیت پیدا می کند و مایه تشابه آثار عده زیادی از شاعران و نویسندگان می شود.» (احمدنژاد، ۱۳۶۳، ۱۵)

این تشابه آثار محققان و منتقدان را و می دارد که سبکهای شاعران و نویسندگان را طبقه بندی کنند و آنها را در ذیل عناوین خاص قرار دهند و برای هر یک نامی بگذارند.

(ب) «سبک حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون است که لزوماً در شیوه خاصی از بیان تجلی می کند» (شمیسا، ۱۳۷۸، ۱۵)

(ج) سبک ملکه ای است که شاعران و گویندگان برای تسلط بر فنون سخن به آن نیازمند و این نیرو با ممارست و تمرین و مطالعه طولانی حاصل می شود. (محبوب، ۱۳۵۰، ۱۱)

(د) از دیدگاه ارسطو هم به اندازه انواع ادبی ما سبک گوناگون داریم (همان، ۱۳) برای نمونه سبک غنایی، سبک تعلیمی، سبک نمایشی و...

^۱ . استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان - مرکز گمشان

S_Morshedei@yahoo.com

^۲ . دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد mnajariv5@yahoo.com

^۳ frequency

^۴ . external form

^۵ internal form

^۶ . subjective form

مقصود ما در این جستار بیشتر سبک دوره است یعنی ویژگی های که در شعر شاعران یک دوره به صورت بسامدی به کار می رود.

دوره نخست شعر فارسی، از همان دهه های اول سده سوم آغاز و تا پایان این سده ادامه داشت. از این دوره ۸ آثار ۸ شاعر باقی مانده است که عبارتند از: (۱) حنظله بادغیسی (د. ۲۱۹/۲۲۰ ه.؛ ۲) محمد بن وصیف سگری (سیستانی) (اواخر سده سوم ه.؛ ۳) بسام کورد (سده سوم هجری)؛ (۴) محمد بن مخلد (سده سوم هجری)؛ (۵) محمود بن وراق (د. ۲۲۱ ه.؛ ۶) فیروز مشرقی؛ (۷) ابوسلیک^۱ گرگانی (سده سوم هجری)؛ (۸) شاکر بخاری (نک. لازار، ۱۳۴۱، ۲/۲۲ - ۱۱)

از این شاعران، ۶۴ بیت باقی مانده است که ژیلبر لازار - پژوهشگر و متخصص فرانسوی زبان فارسی - آنها را در کتاب *اشعار پراکنده قدیم ترین شاعران زبان فارسی* (انسیستوی ایرانشناسی ایران - فرانسه، ۱۳۴۱: صص ۲۲ - ۱۱) گردآوری کرده است^۲ (۱).

در این مقاله و جستار برآنیم تا این اشعار را از سه نقطه نظر سبکی بررسی کنیم:

۱) شکل بیرونی^۳ (شامل: موسیقی شعر، صنایع لفظ بدیع، قالبهای شعر، کلمات، حروف یا واجها، ویژگیهای دستوری خاص)

۲) شکل درونی^۴ (صور خیال و صنایع معنوی بدیع)

۳) شکل ذهنی (پیام یا درون مایه^۵)

پیشینه پژوهش و اهمیت پژوهش:

در کتاب *سبک خراسانی در شعر فارسی* (محبوب، ۱۳۵۰: ۱۵ - ۱) مطالب بسیار سودمندی درباره سبک این دوره (با عنوان ظهور شعر فارسی) ارائه شده است. منتها پژوهشگران در این مقاله تلاش کردند تا به صورت مستقل و با بررسی های آماری، تصویری منسجم و مستقل از این دوره ارائه دهند تا مشخص شود که بسامد و ویژگی های سبکی این دوره - که دوره تکون و شکل گیری شعر فارسی است - چگونه بوده است. مقایسه این ویژگی در پژوهش های مستقل دیگر تأثیر این دوره بر دوره های بعد و تحول و شکل گیری سبک خراسانی را روشن تر می سازد.

بررسی اشعار باقی مانده دوره اول (طاهریان و صفاریان)

۱- شکل بیرونی

۱-۱- موسیقی شعر:

۱-۱-۱ وزن

وزن شعر یکی از معیارهای راهگشا در زمینه شناخت سبک یک دوره یا یک شاعر به خصوص است. در این مورد، بسامد به کارگیری اوزان خاص، دوری بودن وزن شعر، ضربی یا غیر ضربی وزن و مسائلی از این دست قابل بررسی است. باید توجه داشت که نزدیک ۹۰ درصد اشعار زبان فارسی به یکی از سی و یک وزن مشهور است (شمیسا، ۱۳۷۸، ۳۳)

الف) **مضارع:** ۱- مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف / مفعول فاعلات

مفاعیل فاعلن: «یارم سپند اگرچه بر آتش همی فگند...» (لازار، ۱۳۴۱، ۱۳)؛ ۲- «ای میر بومحمد که همه محمدمت تو» (همان، ۲۱)

^۱. Abusolayk

^۲. در کتاب *سبک شناسی شعر* به اشتباه این ابیات ۵۸ مورد دانسته شده است (شمیسا، ۱۳۸۶، ۲۲)

^۳. external form

^۴. Internal form

^۵. Subjective form

ب) **خفیف:** ۱- خفیف مسدس مخبون محذوف / فاعلاتن مفاعلتن فعلن: «مهرتری گر به کام شیر در است ...» (همان)؛ ۲- همان وزن: «به مژه دل ز من بدزدیدی» (همان)

ج) **رمل:** ۱- رمل مثنی مخبون محذوف / فاعلاتن فاعلاتن فعلن: «ای امیری که امیران جهان خاصه و عام ...» (همان، ۱۳)؛ ۲- همان وزن: «نوحه گر کرده زبان چنگ حزین از غم گل» (همان، ۱۹)؛ ۳- رمل مثنی محذوف / فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلتن: «سرو سیمین ترا در مشک تر» (همان ۲۱ - ۲۰)؛ ۴) «خون خود را گر بریزی بر زمین»

د) **هزج:** ۱- هزج مسدس اخرج مکفوف / مفعول مفاعیل مفاعیل: «ای دل بکربن از طبران که / بیروزه نمای از صدف مرجان» (لازار، ۱۳۴۱، ۱۴)؛ ۲- هزج مسدس محذوف / مفاعیلن مفاعیلن فاعلتن: «نگارینا به نقد جانت ندهم» (همان، ۱۸)؛ ۳- هزج مسدس اخرج صحیح عروض و الضرب / مفعول مفاعلتن مفاعیلن: «مرغیست خدنگ ای عجب دیدی» (همان، ۱۹)؛ ۴- مفعول مفاعلتن فاعلتن / هزج مسدس اخرج محذوف «در جنب علو همت چرخ» (همان، ۲۱)؛ ۵) «از فرط عطای او زند آرز» (همان)

ه) **سریع:** ۱- سریع مسدس مطوی: «کوشش بنده سبب بخشش است» (همان)؛ ۲- «مملکتی بود شده بی قیاس» (همان)؛ ۳- «هر که نوبذ اوی به دل متهم» (همان، ۱۶)؛ ۴- «جز تو نژاد حوا و آدم نکشت» (همان، ۱۷)

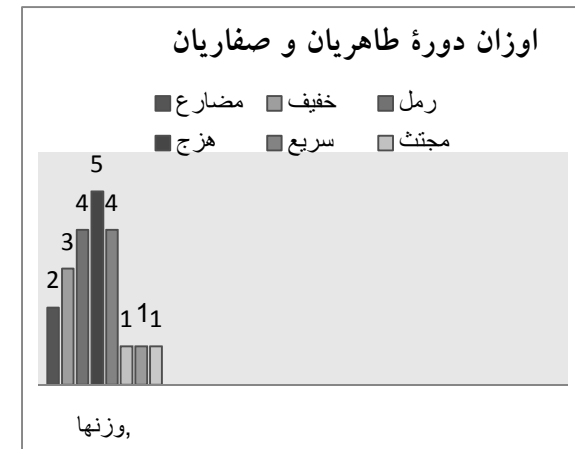
و) **مجتث:** ۱- مفاعلتن فاعلاتن فاعلتن / مجتث مثنی مخبون محذوف: «در این زمانه بتی نیست از تو نیکوتر» (همان، ۲۱)

ی) **رجز:** رجز مثنی سالم / مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن: «خوشا نیبذ غارجی با دوستان یکدله» (همان، ۲۲)

وزن	نام بحر	بحر	شاعر
۱) مضارع	مضارع مثنی اخرج مکفوف مضارع مثنی اخرج مکفوف	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلتن (۲ بار)	حفظله بادغیسی ابوسلیک گرگانی
۲) خفیف	خفیف مسدس مخبون محذوف خفیف مسدس مخبون محذوف خفیف مسدس مخبون محذوف	فاعلاتن مفاعلتن فعلن فاعلاتن مفاعلتن فعلن	حفظله بادغیسی ابوسلیک گرگانی فیروز مشرقی
۳) رمل	رمل مثنی مخبون محذوف رمل مثنی مخبون محذوف رمل مثنی محذوف رمل مثنی محذوف	فاعلاتن فاعلاتن فاعلتن فاعلتن (۲ بار) فاعلاتن فاعلاتن فاعلتن فاعلتن (۲ بار)	محمد بن وصیف فیروز مشرقی ابوسلیک گرگانی ابوسلیک گیلانی
۴) هزج	هزج مسدس اخرج مکفوف هزج مسدس محذوف هزج مسدس اخرج صحیح عروض و الضرب هزج مسدس اخرج مکفوف محذوف هزج مسدس اخرج مکفوف محذوف	مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعیلن مفاعیلن فاعلتن مفعول مفاعلتن مفاعیلن مفعول مفاعلتن فاعلتن مفعول مفاعلتن فاعلتن	محمد بن وصیف محمود وراق فیروز مشرقی ابوسلیک گرگانی ابوسلیک گرگانی
۵) سریع	سریع مسدس مطوی سریع مسدس مطوی سریع مسدس مطوی سریع مسدس مطوی	مفتعلن مفتعلن فاعلتن مفتعلن مفتعلن فاعلتن مفتعلن مفتعلن فاعلتن مفتعلن مفتعلن فاعلتن	محمد بن وصیف محمد بن وصیف بسام کورد محمد بن محلد
۶) مجتث	مجتث مثنی مخبون محذوف	مفاعلتن فاعلاتن مفاعلتن فعلن	ابوسلیک گرگانی
۷) رجز	رجز مثنی سالم	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	شاکر بخاری
۸) متقارب	مقارب مثنی محذوف	فاعلتن فاعلتن فاعلتن فعل	فیروز مشرقی

از ۲۰ شعری که در این دوره باقی مانده و در این مجموعه ثبت شده، ۸ وزن و ۱۲ بحر در شعر این شاعران به کار رفته است.

جدول بسامدی وزنهای اشعار باقی مانده از دوره نخست



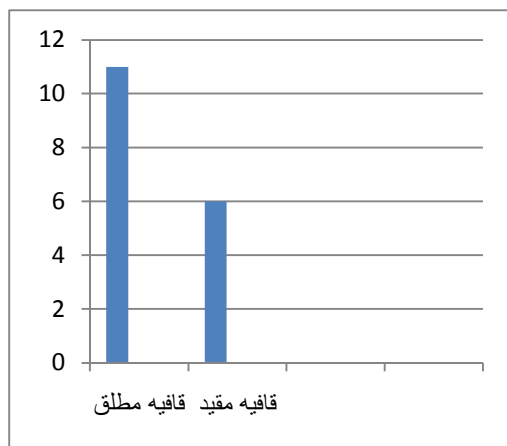
۲-۱-۱- قافیه:

یکی از مواردی که در سبک شناسی (در بخش موسیقی شعر: «شکل ظاهری» قابل بررسی است؛ «قافیه» می باشد. مسائلی نظیر، به کار گیری حروف روی خاص، مقید یا مطلق بودن قافیه، نوع قافیه از نظر دستوری (حرف، اسم یا فعل بودن) و مانند آن، در بررسی سبکی مطرح می شود. در بخش زیر قافیه های ابیات این دوره را بررسی می کنیم:

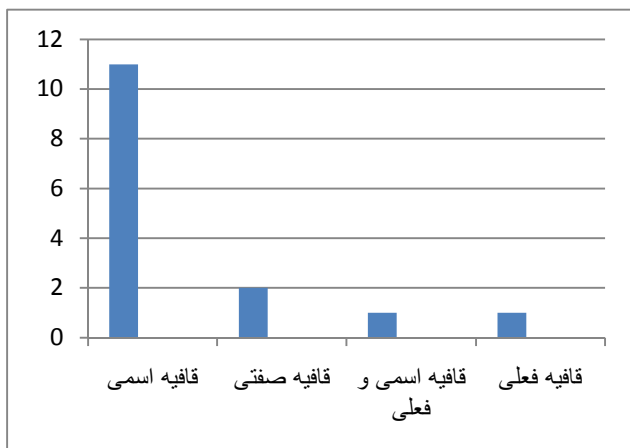
۱) کلمات قافیه: «فگند»، «گزند» و «سپند» (حرف روی: «دال»؛ نوع هجای قافیه: صامت + مصوت کوتاه + دو صامت؛ قافیه مطلق؛ قافیه اسمی) (لازار، ۱۳۴۱، ۱۲)؛ ۲) کلمات قافیه: «بجوی» و «رویاری» (حرف روی: «باء»؛ نوع هجای قافیه: صامت + مصوت بلند + صامت؛ قافیه مطلق؛ قافیه اسمی و فعلی (همان)؛ ۳) کلمات قافیه: «عام»، «غلام»، «همام» و... (حرف روی: «میم»؛ نوع هجای قافیه: صامت + مصوت بلند + صامت؛ قافیه مطلق؛ قافیه اسمی (همان، ۱۳)؛ ۴) کلمات قافیه: «مرجان» و «جیشان»؛ حرف روی: «نون»؛ نوع هجای قافیه: صامت + مصوت بلند +

صامت) (همان، ۱۴)؛ ۵) کلمات قافیه: «نیست»، «کیست»، «یکيست»، «بايست»؛ حرف روی: «تاء»؛ نوع قافیه: صامت + مصوت بلند + دو صامت؛ قافیه مطلق؛ قافیه فعلی (همان، ۱۴)؛ ۶) کلمات قافیه: «قیاس»، «راس»، «گاس» و...؛ حرف روی: «سین»؛ نوع قافیه: صامت + مصوت بلند + صامت؛ قافیه مطلق؛ قافیه اسمی (همان، ۱۵-۱۵)؛ ۷) کلمات قافیه: «متهم»، «نعم»، «لاجرم» و...؛ حرف روی: «میم»؛ نوع قافیه: صامت + مصوت کوتاه + صامت؛ قافیه مطلق؛ قافیه اسمی (همان، ۱۶)؛ ۸) کلمات قافیه: «نکشت»، «منشت»، «گوشت» (= گویش) و «کشت»؛ حرف روی: «تاء»؛ نوع هجای قافیه: صامت + مصوت کوتاه + دو صامت؛ قافیه مطلق؛ قافیه اسمی (همان، ۱۷)؛ ۹) ردیف: «ندهم»؛ کلمات قافیه: «جانت»، «ارزانت»، «دامانت»؛ حرف روی: «نون»؛ حرف زاید: «ت»؛ نوع قافیه: صامت + مصوت بلند + صامت؛ قافیه مقید؛ قافیه اسمی (همان، ۱۸)؛ ۱۰) کلمات قافیه: «جانا»، «مهمانا»؛ حرف روی: «نون»؛ نوع قافیه: صامت + مصوت بلند + صامت؛ قافیه مقید؛ قافیه اسمی (همان، ۱۹)؛ ۱۱) کلمات قافیه: «ناخونا» و «خونا»؛ حرف روی: «نون»؛ حرف زاید: «ا»؛ نوع هجای قافیه: صامت + مصوت بلند + صامت؛ قافیه مقید؛ قافیه اسمی (همان)؛ ۱۲) کلمات قافیه: «تاب» و «مهتاب»؛ حرف روی: «باء»؛ نوع هجای قافیه: صامت + مصوت بلند + صامت؛ قافیه مطلق؛ قافیه اسمی (همان)؛ ۱۳) کلمات قافیه: «دزد» و «مزد»؛ هجای قافیه: صامت + مصوت کوتاه + صامت؛ حرف روی: «دال»؛ قافیه مطلق؛ قافیه اسمی (همان، ۲۱)؛ ۱۴) کلمات قافیه: «کنار» و «دار»، حرف روی: «راء»؛ نوع هجای قافیه: صامت + مصوت بلند + صامت؛ قافیه مطلق؛ قافیه اسمی (همان)؛ ۱۵) کلمات قافیه: «نیکوتر» و «مشفق تر»؛ حرف روی: «تاء»؛ از عیوب قافیه دارد؛ نوع هجای قافیه: صامت + مصوت کوتاه + صامت؛ قافیه مطلق؛ قافیه صفتی؛ ۱۶) کلمات قافیه: «دله»، «ولوله» و «یله»؛ حرف روی: «لام»؛ نوع هجای قافیه: صامت + مصوت کوتاه + صامت؛ حرف زاید: مصوت کوتاه «ه»؛ قافیه مقید؛ قافیه صفتی (همان، ۲۲)

جدول قافیه مطلق یا مقید

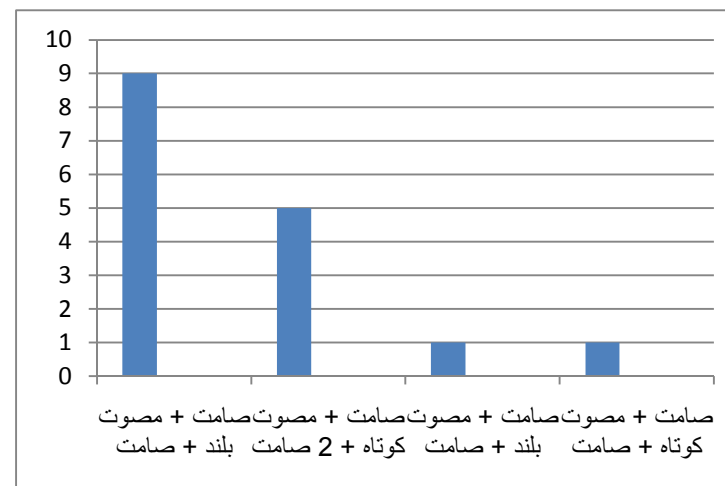


قافیه از نظر نوع دستوری (فعلی، اسمی و صفتی)

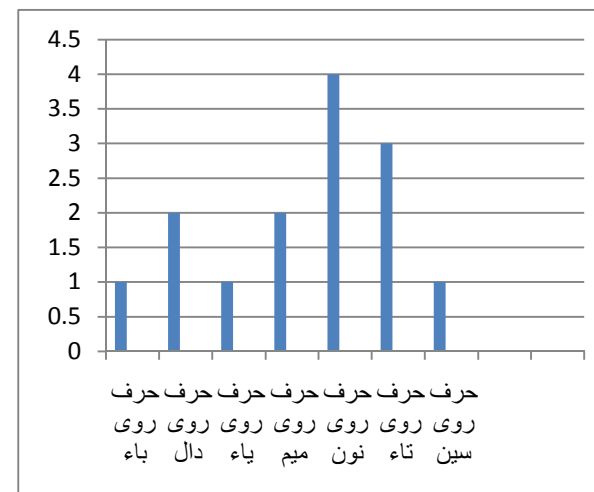


در موارد بالا چند نکته ملاحظه می شود: الف) بیشتر قافیه های مطلق هستند؛ ب) بیشتر قافیه ها اسمی هستند؛ ج) نوع هجای قافیۀ «صامت + مصوت بلند + صامت» بیشتر از انواع دیگر بسامد دارد؛ د) از بین قافیه، از نظر دستوری (صرفی)، «قافیۀ اسمی» بسامد بیشتر دارد، ه) در میان کلمات قافیه، کلمه های عربی کمتر دیده می شود؛ و) حرف روی «نون» هم بسامد بیشتر است. در یک مورد هم، در شعری

جدول نوع واج های هجای قافیه



جدول حرف روی قافیه ها



۳-۲-۱- ردّ الصدر علی العجز:

«او را سپند و آتش ناید همی به کار/ با روی همچو آتش و با خال چون سپند»
(همان، ۲۱)

«ناس شدند نسناس، آنکه همه/ و از همه نسناس گشتند ناس» (همان، ۱۵)

«مزد خواهی که دل ز من ببری/ این شگفتی که دید دزد به مزد» (همان، ۲۱)

۴-۲-۱- تکرار:

«مگه حرم کرد عرب را خدای/ عهد ترا کرد حرم در عرب» (همان، ۱۶)

«مجلس پراشیده همه، میوه خراشیده همه/ زرها پباشیده همه نُقل گران کرده

یله» (همان، ۲۲)

۵-۲-۱- قلب:

«ناس شدند نسناس آنکه همه/ وز همه نسناس گشتند ناس» (همان، ۱۵)؛

«مگه حرم کرد عرب را خدای/ عهد ترا کرد حرم در عجم» (همان، ۱۶)

۳-۱- قالبهای شعری:

در این بخش، از نظر قالب بیشتر شعر قطعه یا قصیده هستند. به دلیل اینکه بسیاری از این اشعار، ناقص هستند و بخشی از آنها افتاده است، بیشتر آن مواردی هم که به شکل قطعه آمده است، بخشی از قصیده بودند.

یک مورد در قالب دو بیتی سروده شده است (شعر محمود وراق) (لازار، ۱۳۴۱، ص ۱۸)، یک مورد هم (ص ۲۲) شاید غزل بوده باشد، یا بخشی از تغزل قصیده، به هر به دلیل اینکه بیشتر ابیات آن حذف شده است، به طور قطع نمی توان درباره آن نظر داد.

۴-۱- کلمات شعر: به طور کلی در هر دوره ای به دلایل گوناگون واژگان خاصی به کار می رود که این واژگان در دوره های بعد کاربرد ندارند یا تنها در

دوره سامانیان رواج دارند. در دوره مورد بررسی ما، به دلیل اینکه از نظر جغرافیایی، شاعران این دوره عمدتاً به منطقه جغرافیایی خاص؛ یعنی خراسان بزرگ، ماوراء النهر و گرگان (به طور کلی شرق قلمرو ایران زمین) تعلق داشتند، واژگان ویژه ای از واژگان خراسانی، و رارودی (ماورا النهری)، سغدی (یغناپی) و... در شعر شاعران این دوره - که متعلق به این مناطق بوده اند - وجود دارد؛ بررسی این واژگان و بسامد آن نشانه ای سبکی برای این دوره خاص هستند. در اینجا به ذکر این واژگان به همراه معانی آن می پردازیم:

۱) «لتره شدن»: «بلمات آمد، زنبیل و لئی خورد پلنگ/ لتره شد لشکر زنبیل و هبا گشت کنام» (لازار، ۱۳۴۱، ص ۳؛ ۲) «آکار»: «عمر او نزد تو آمد که تو چون نوح بزی/ در آکار تن او سر او باب طعام» (همان، ۱۴؛ ۳) «وشم» (گنجشک): «در جنب علو همت چرخ/ مانده وشم پیش چرخ است» (همان، ۲۱)؛ «زراغن»: «از فرط عطای او زند آز/ پیوسته ز امتلا زراغن» (همان)

۵-۱- حروف یا واجها:

یکی از مهمترین مسائل در بررسی سبکی حروف یا واجها، «ابدال» آنهاست که در دوره خاص یا در منطقه خاص بعضی واجها به واجها یا حروف دیگر تبدیل می شود. در زیر موارد آن در این دوره بررسی می شود:

۱) ابدال «دال» به «ذال»: مواردش در اشعار مورد بررسی بسیار زیاد است؛ برای نمونه: «بدهید»، «شد»، «داذ»، «دذ» (ص ۳)، «ببوذ»، «بوذ»، «بشد»، «شد» (لازار، ۱۳۴۱، ۱۴)، «کامذ»، «شاذی»، «دینذ»، «سوذ»، «بایذ» و...

۲) ابدال «ی» به «ه» در کلمه «گوهذ»: «فخر کند عمّار روز بزرگ/ گوهذ آنم من که یعقوب کشت» (همان، ۱۷)

۶-۱- ویژگیهای دستوری خاص: در دوره مورد بررسی ما، مثل دوره های دیگر، کاربردهای دستوری خاص (در حوزه های نحوی، آوایی و...) وجود دارد

که بررسی آنها و به ویژه بسامدشان در بررسی سبک شناسی بسیار مهم است؛ در زیر موارد این ویژگیهای دستوری را با نمونه های آن می آوریم:

۱-۶-۱- کاربرد فعل ماضی استمراری با «همی»: «همی فگند»، «ناید همی به کار» (لازار، ۱۳۴۱، ۱۲)؛ «باید همی» (همان، ۱۵) «ای میر بوحمد که همه محمدمت همی / از کنیت تو خیزد، وز خاندان تو» (همان، ۲۱)

۲-۶-۱- ساکن تلفظ شدن آخر واژه پیش از ضمیر یا شناسه پیوسته: «یا چو مردانت مرگ رویاروی» (ص ۱۲) «جانت»، «ارزانت» و «دامانت» (محمود وراق) (همان، ۱۸)؛ «دندانش»: «به خط و آن لب و دندانش بنگر» (همان، ۱۹)

۳-۶-۱- کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم: «مهتری گربه کام شیر در است» (همان، ۱۲)؛ «گیتی به آرام / اندرون» (همان، ۲۲) هدف از این کاربرد تأکید بوده است (محبوب، ۱۳۵۰، ۱۲)

۴-۶-۱- کاربرد فعل ماضی با «بای تأکید / زینت»: ۱) «بخواندی» (لمن الملک» بخواندی ...) (لازار، ۱۳۴۱، ۱۳)؛ ۲) «ببوز» (بوز و ببوز از صفت ایزد است)؛ ۳) «برفت» (دولت یعقوب دریغا برفت) (ص ۱۴)؛ ۴) «بگشاده»: «موی بگشاده و بر روی زنان ناخونا» (همان، ۱۹)؛ ۵) «بدزدیدی» (به مژه دل ز من بدزدیدی) (همان، ۲۱)؛ ۶) «پاشیده» (زرها پاشیده همه، نُقل گران کرده یله) (همان، ۲۲)

نکته جالب توجه این است که از ۳۳ فعل ماضی ساده (غیر مرکب) تام، تنها همین شش مورد به همراه بای زینت / تأکید آمده اند.

۵-۶-۱- به کارگیری مصدر به شکل کهن:

«مِشْت»^۱ (۲) به جای «منش» (رفتار)؛ «گوشْت»: به جای «گوش» (گفتن) که کاربرد می کهن است: «جز تو نژاد حوا و آدم نکشت / شیر نهادی به دل و بر مِشْت - معجز پیغمبر مگی تویی / به کنش و به منش و به گوشْت» (لازار، ۱۳۴۱، ۱۷)

۶-۶-۱- کاربرد کهن فعل ماضی نقلی (افعال نیشابوری):

«گرفتستم» (گرفته ام): «گرفتستم به جان دامان وصلت / دهم جان از کف و دامانت ندهم» (همان، ۱۸)

۷-۶-۱- «الف» بیان حالت عاطفی:

«ای غما کامذ شادی گذشت / بوذ دلم دایم از این پر هراس» (همان، ۱۵)

معنی کثرت و افسوس را با هم در بر دارد.

۲) شکل درونی

۲-۱- صورخیال:

صور خیال یا آرایه های بیانی در شکل درونی سبکی بررسی می شود. صورخیال از مهمترین ارکان شعری هستند؛ صورخیال شامل: تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه است که بررسی بسامد هر کدام از انواع فرعی موارد بالا می تواند ما را با سبک این دور آشنا کند. از موارد دیگر هم که در شکل درونی قابل بررسی هستند، آرایه های بدیعی اند.

۱-۱-۲- تشبیه:

۱-۱-۱- تشبیه از نظر ارکان آن:

الف) تشبیه مرسل مجمل: ۱) «روی همچو آتش»؛ ۲) «خال چون سپند»: «او را سپند و آتش ناید همی به کار / با روی همچو آتش و با خال چون سپند»

^۱. این نوع مصدر، امروزه در برخی از گویشهای ایرانی که برخی از ساختارهای کهن خود را حفظ کرده اند به کار می رود؛ چنانکه در کردی گویش سورانی در شهر سلیمانیه «رَوشْت» به معنای «اخلاق» (روش) به کار می رود.

(لازار، ۱۳۴۱، ۱۲؛ ۳ و ۴) «به خطّ و آن لب و دندانش بنگر/... - یکی همچون پرن بر اوج خورشید/ یکی چون شایورد از گرد مهتاب» (همان، ۱۹؛ ۵ و ۶) «هست پروین چو دسته نرگس / همچو بنات نعش رنگینان» (همان، ۲۰)

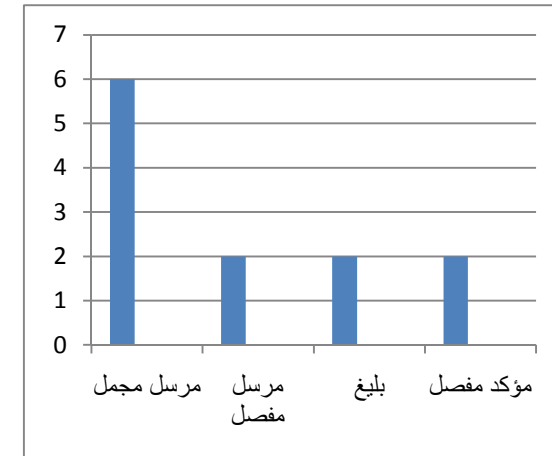
ب) تشبیه مرسل مفصل: (۱) «عمر او نزد تو آمد که تو چون نوح بزی» (همان، ۱۴؛ ۲) «در جنب علوّ همّت چرخ / مانده وشم پیش چرخ است» (همان، ۲۱)

ج) تشبیه بلیغ: (۱) تشبیه «ناس» به «نسناس»: «ناس شدند نسناس...» (همان، ۱۵؛ ۲) «به مژه دل ز من بدزدیدی / ای به لب قاضی و به مژگان دزد» (همان، ۲۱)

د) تشبیه مرسل مفصل: «دور فلک گردان چون آسیا» (همان، ۱۵)

ه) تشبیه مؤکد مفصل: (۱) «شیر نهادی به دل و بر منشت» (همان، ۱۷؛ ۲) «معجز پیغمبر مکی تویی به کنش و به روش و به گوشت» (همان؛

جدول تشبیه از نظر ارکان تشبیه



۲- ۱- ۱- ۲- تشبیه از نظر محسوس و معقول بودن طرفین تشبیه:

الف) تشبیه محسوس به محسوس: (۱ و ۲) «با روی همچو آتش و با خال چون سپند» (لازار، ۱۳۴۱، ۱۲؛ ۳) «عمر او نزد تو آمد که تو چون نوح بزی» (همان، ۱۴؛ ۴) تشبیه «خدنگ» به «مرغ»: «مرغیست خدنگ...» (همان، ۱۹؛ ۵) «هست پروین چو دسته نرگس» (همان، ۲۱؛ ۶) «همچو بنات نعش رنگینان» (همان؛ ۷) «در جنب علوّ همّت چرخ / مانده وشم پیش چرخ است» (همان)

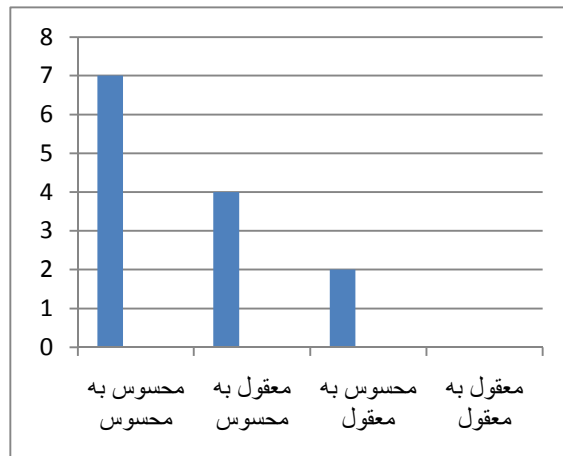
به طور کلی بیشتر تشبیهات در این دوره محسوس به محسوسند (نک.

محبوب، ۱۳۵۰، ۱۲)

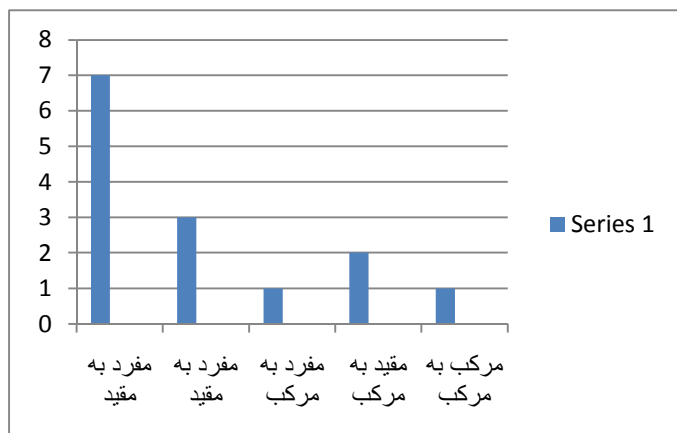
ب) تشبیه معقول به محسوس: (۱) «دور فلک گردان چون آسیا» (لازار، ۱۳۴۱، ۱۵؛ ۲) «نهاد»: مشبه معقول؛ «شیر»: مشبه به محسوس: «شیر نهادی به دل و بر منشت» (همان، ۱۷؛ ۳) تشبیه «جان» به «نقد»: «نگارینا! به نقد جانانت ندهم» (همان، ۱۸؛ ۴) تشبیه «جان» به «شکار»: «مرغی که شکار او همه جانا» (همان، ۱۹)

ج) تشبیه محسوس به معقول: (۱) «ناس شدند نسناس...» (همان، ۱۵؛ ۲) «معجز پیغمبر مکی تویی» (تشبیه مشبه «تو» به «معجز پیغمبر مکی» (همان، ۱۷)

جدول تشبیه از نظر عقلی و حسی بودن



جدول تشبیه‌های از نظر ارکان تشبیه



۲-۱-۱-۲- استعاره:

۱-۱-۱-۲- استعاره مکنیه:

- ۱) «دامان وصل»: «گرفتستم به جان دامان وصلت» (لازارا، ۱۳۴۱، ۱۸)؛ ۲)
- «کرکس»: «داده پر خویش کرکش هدیه» (همان، ۱۹)؛ ۳) «چنگ»: «نوحه گر کرده زبان چنگ حزین از غم گل / موی بگشاده و بر روی زنان ناخونا» (همان)؛ ۳) «قینیه»: «گه قینیه به سجود او فتد از بهر دعا / گه ز غم بر فگنذ یک دهن از دل خونا» (همان)؛ ۴) «زلف مشکین»: «سرو سیمین ترا در مشک تر / زلف مشکین تو سرتا پا گرفت» (همان، ۲۰)؛ ۵) «آز»: «از فرط عطای او زند آز / پیوسته ز امتلا زراغن» (همان، ۲۱)

۲-۱-۱-۲- استعاره مصرّحه:

- ۱) «خون»: استعاره از شراب: «گه قینیه به سجود او فتد از بهر دعا / گه ز غم بر فگنذ یک دهن از دل خونا» (همان، ۱۹)؛ ۲) «سرو سیمین»: استعاره از «قامت»: «سرو سیمین ترا در مشک تر / زلف مشکین تو سرتا پا گرفت» (همان، ۲۰)؛ ۳) «بت»: استعاره از معشوق؛ ۴) «شمن»: استعاره از «عاشق»: «در این زمانه بتی نیست از تو نیکوتر / نه بر تو بر شمنی از رهیت مشفق تر» (همان)

۳-۱-۱-۲- تشبیه از نظر مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین تشبیه:

الف) مفرد به مفرد: ۱ و ۲) «با روی همچو آتش و با خال چون سپند» (لازارا، ۱۳۴۱، ۱۲)؛ ۳) «ناس شدند نسناس...» (همان، ۱۵)؛ ۴) «شیر نهاد» (همان، ۱۷)؛ ۵) «نقد جان» (همان، ۱۸)؛ ۶) «مرغیست خدنگ...» (همان، ۱۹)؛ ۷) تشبیه «جان» به «مرغ»: «مرغی که شکار او همه جانا» (همان)

ب) مقید به مفرد: «دور فلک»: مشبه؛ «آسیا»: مشبه به «دور فلک گردان چون آسیا» (همان، ۱۵)

ج) تشبیه مفرد به مرکب: ۱) تشبیه «خط» به «پرن بر اوج خورشید»: «به خطّ و آن لب و دندانش بنگر / که همواره مرا دارند در تاب - یکی همچون پرن بر اوج خورشید / یکی چون شایورد از گرد مهتاب» (همان، ۱۹)

د) تشبیه مقید به مرکب: ۱) «لب و دندان»: به «شایورد از گرد مهتاب» (همان)

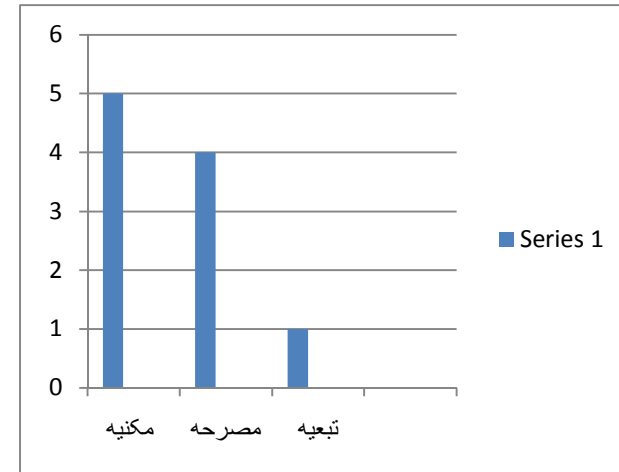
ه) تشبیه مفرد به مقید: ۱) «دسته نرگس» (مشبه) + «پروین» (مشبه به): «هست پروین چو دسته نرگس» (همان، ۲۰)؛ ۲) تشبیه «رنگینان» به «بنات نعش»: «همچو بنات نعش رنگینان» (همان)؛ ۳) «معجز پیغمبر مکی تویی» (همان، ۱۷)

و) تشبیه مرکب به مرکب: «در جنب علو همت چرخ [مشبه] / ماننده و شمش پیش چرخ است» (همان، ۲۱)

۳-۱-۲- استعاره تبعیه:

(۱) «کِشْتَن»: پرورش دادن فرزند: «فخر کند عَمَّار روز بزرگ / گوهد: آنم من که یعقوب کِشت» (محمد بن وصیف) (همان، ۱۷)

جدول استعاره های این دوره



۳-۱-۲- کنایه:

(۱) «روز بزرگ»: کنایه از قیامت یا روز جنگ: «فخر کند عَمَّار روز بزرگ / گوهد: آنم من که یعقوب کِشت» (لازار، ۱۳۴۱، ۱۵) برگرفته از قرآن کریم «یوم العظیم» (برای نمونه: سورهٔ مریم (۱۹): ۳۷)

۳-۲- آرایه های بدیع معنوی:

۳-۱-۲- تضمین:

۱ و ۲) «لمن الملک» بخواندی تو امیرا! به یقین / «یا قلیل الفئه کت داو و آن لشکر کام» (لازار، ۱۳۴۱، ۱۳)؛ ۲) «قول خداوند بخوان: «فاسْتَقِم» (همان، ۱۴)

۳-۲-۲- تناسب / مراعات نظیر:

(۱) «از حد هند تا به حد چین و ترک / از حد زنگ تا به حد روم و گاس» (محمد بن وصیف) (همان، ۱۴)؛ ۲) «جز تو نژاد حوا و آدم نکِشت» (همان، ۱۷)؛ ۳) «به خط و آن لب و دندانش بنگر...» (همان، ۱۹)؛ ۴) «مجلس پراشیده همه، میوه خراشیده همه / زرها پراشیده همه نقل گران کرده یله» (همان، ۲۲)

۳-۲-۳- قلب مطلب / طرد و عکس:

(۱) «ناس شدند نسناس آنگه همه / و از همه نسناس گشتند ناس» (همان، ۱۵)؛ ۲) «مگه حرم کرد عرب را خدای / عهد ترا کرد حرم در عجم» (همان، ۱۶)

۳-۳-۴- تضاد / طباق:

(۱) «اوّل مخلوق چه باشد؟ زوال / کار جهان اوّل و آخر یکی است» (ص ۱۴)؛ ۲) «رأس ذنب گشت و بشد مملکت» (همان)؛ ۳) «هر که در آمد همه باقی شدند / باز فنا شد که ندید این حرم» (همان، ۱۶)

۳-۳-۵- ارسال المثل:

«ملک ابا هزل نکرد انتساب / «نور ز ظلمت نکند اقتباس» (همان، ۱۵)

۳- پیام یا درون مایه (شکل ذهنی)

به طور کلی، در قالب اصلی این اشعار «قطعه» است؛ که برخی از آنها قطعه های مستقل و برخی در واقع بخشی از یک قصیده بوده که از اشعار بدنهٔ اصلی و بیت های شریطه و دعا چیزی باقی نمانده، در بخش تعلیمی این اشعار، این نکته روشن است که برخی از شاعران این دوره در حکم مربیان اخلاقی و آموزگاران معنوی شاهان و حکام هم بوده اند. این شاعران به تعلیم نیز با نگاهی حماسی می نگرند. در عین حال چیستان (لُغَز) (نک. لازار، ۱۳۴۱، ۱۹) و صف، مدح و شعر غنایی و عاشقانه نیز در این موارد مشهود است.

شعر شاعران این دوره مانند دوره بعد؛ یعنی به طور کلی شعر خراسانی، «همراه با نوعی نشاط، سرخوشی و شادخواری ... است جز مواردی اندک که شاعران ابراز

نتایج مقاله

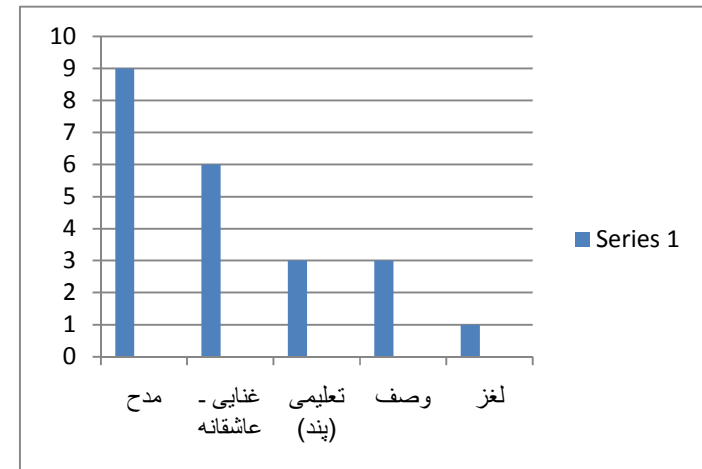
۱) **از نظر شکل ظاهری:** از نظر بسامد قافیه بیشترین قافیه، قافیه های (صامت + مصوت بلند + صامت است). بسامد قافیه مطلق و قافیه اسمی در این دوره بیشتر است. ردیف تنها در یک مورد به کار رفته است که چنانکه ذکر شد، الحاقی است و اصیل نیست؛ آرایه های لفظی: انواع جناس، واج آرایبی، قلب، رد الصدر علی العجز و تکرار در این دوره به کار رفته است؛ از نظر قالب شعری، بسامد قطعات از همه بالاتر است؛ این قطعات ممکن است بخشی از قصاید بوده باشد که شکل کامل آنها امروزه در دست نیست، یک مورد هم دوبیتی در اشعار این دوره چنانکه دیده شد، به کار رفته است؛ از نظر دستوری ویژگی های همچون «همی» برای ماضی استمراری، کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم، کاربرد بای تأکید، ساکن شدن واج پیش از شناسه در افعال و اسمها، الف بیان حالت عاطفی، افعال نیشابوری، الف بیان حالت عاطفی. می دانیم که این ویژگی در دوره بعدی هم رواج دارد؛ ۲) **از نظر شکل درونی:** شاعران این دوره بیشتر تشبیه گرا هستند و استعارات هم بیشتر در نوع استعارهٔ مکنیه (تشخیص) است و استعاره مصرحه تنها در ۴ مورد به کار رفته است؛ تشبیهات هم بیشتر از نوع محسوس هستند؛ ۳) **از نظر پیام یا درون مایه (شکل ذهنی):** مدح رواج دارد، با این حال شعر تعلیمی و اخلاقی نیز رونق دارد با ذکر این نکته که شاعران این دوره به این نوع ادبی هم با نگاهی حماسی می نگرد؛ نمونه هایی از چیستان (لغز) هم در شعر این دوره به چشم می خورد. شعر شاعران این دوره به طور کلی شاد و بیرونی (آفاقی) است. بیشترین بسامد مضمونی شعری این دوره هم به ترتیب مربوط به مدح، غنا (عاشقانه)، پند، وصف و لغز است.

غم کرده اند، در سایر موارد شور و نشاط و فکر غنیمت شمردن زندگی فضای شعر شاعران را فراگرفته است.» (غلامرضایی، ۱۳۷۷، ۹۲)

برخی از این شادی ها حکایتگر شادخواریها و مجالس شادمانی است که به واسطهٔ رفاه شاعران آن دوره بوده است؛ برای نمونه: «خوشا نبیذ خارجی با دوستان یک دله / گیتی به آرام اندرون، مجلس به بانگ و ولوله - مجلس پرشیده هم، میوه خراشیده همه / زرها پاشیده همه، نقل گران کرده یله» (لازار، ۱۳۴۱، ۲۲)

از این اشعار که در این جستار (مقاله) بررسی شده به ترتیب: ۹ مورد مدح، ۶ مورد غنایی - عاشقانه، ۳ مورد پند، ۳ مورد وصف و یک مورد لغز (چیستان) است.

جدول درون مایه یا شکل ذهنی این دوره



کتابشناسی

- ۱- احمد نژاد، کامل. (۱۳۶۳). *تاریخ ادبیات و سبک شناسی (بخش نخست: شعر)*، رشته ادبیات فارسی مراکز تربیت معلم، سال اول، دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی.
- ۲- دهخدا، علی اکبر و همکاران. (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۵ ج.
- ۳- زرقانی، مهدی. (۱۳۸۸). *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطور دگردیسی ژانرها تا میانه سده پنجم*، تهران: سخن.
- ۴ - سعدی، مصلح الدین. (۱۳۸۵). *کلیات سعدی*، تصحیح محمد علی فروغی، تهران: نشر هرمس.
- ۵ - شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸)، *آشنایی با عروض و قافیه*، تهران: نشر فردوس.
- ۶ - _____ . (۱۳۸۶). *سبک شناسی شعر*، تهران: نشر میترا.
- ۷ - _____ . (۱۳۷۸). *کلیات سبک شناسی*، تهران: نشر فردوس.
- ۸ - عبدالباقی، محمد فواد. (۱۳۷۸). *معجم المفهرس لالطفاظ القرآن الکریم*، تهران: اسلامی.
- ۹ - غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۷). *سبک شناسی شعر از رودکی ...*، تهران: انتشارات جامی
- ۱۰- لازار، ژیلبر. (۱۳۴۱). *اشعار پراکنده قدیمترین شعرای زبان فارسی*، تهران: انیسیتوی ایران و فرانسه
- ۱۱ - محجوب، محمد جعفر. (۱۳۵۰). *سبک خراسانی در شعر فارسی*، تهران: انتشارات دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

Study on stylistic characteristics in first period of Persian poems

(Taherid & Safarids)

Siavash Morshedi

Mohammad Najjari

Abstract

From the first period of Persian poem – which started from first decades of ۹th century and continued to the end of this century – survived just ۶۴ verses (Poets: Hanzley-e Badgheysi, Mohammad bn Wasif-e Sagzi (from Sistan), Bassam-e Kurd, Mohammad bn Mokhallad, Mahmud bn Warragh, Firuz Mashreghi, Abusolayk-e Gorgani and Shaker-e Bokhari (from Bokhara) which Gilbert Lazard in *the oldest scattered Persian poems* collected them. In the paper, have presented different definitions of style briefly, and eventually analyzed in the epoch style point of view, means the similar and specific characteristic in an epoch as frequency. The paper tries to study these poems as three points of view (External form, Internal Form, Subjective Form) and the results presented as frequency and in static charts.

Keywords: *Stylistics, Poem, Safarid & Taherid period, Internal form, External form, Subjective form*